

Conceptualization of the Metaphor of "Martyrdom" in the Discourse of Ayatollah Khamenei

Mohammadreza Tusi Nasrabadi

Assistant professor of English Language Teaching,, Farhangian University, Tehran,Iran. Email: mohammadrezatusi1@gmail.com  0000-0000-0000-0000

Abstract

This research focuses on the cognitive analysis of metaphors related to the domain of martyrdom in the discourse of Imam Khamenei. In this linguistic study, the statements of Ayatollah Khamenei were collected and categorized around the theme of martyrdom through the website dedicated to preserving his works and disseminating his values. The aim of this research is to determine how martyrdom, as one of the sacred concepts, is metaphorically conceptualized in the discourse of the Supreme Leader of the Islamic Revolution. The examination of the data revealed that in the discourse of the Supreme Leader, the conceptual domain of martyrdom is constructed through metaphors such as fragrance/light/color/flame, path, home, battlefield, drink, mountain peak, trench, tree/tree roots, and personification, and is predominantly intertextually connected with the verses of the Holy Quran. Since metaphors vary across languages and cultures, by analyzing the cognitive metaphors used by the Supreme Leader, the prevailing attitudes in his individual and social discourse can be examined. Through the analysis of these metaphors, the cultural identity of Iranian society can be identified, and by studying the cognitive metaphors of the Supreme Leader, his intellectual content and cognitive framework can be expanded within society.

Keywords: Cognitive Linguistics, Conceptual Metaphor, Martyr, Martyrdom, Imam Khamenei.

مفهوم‌سازی استعاری «شهادت» در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای

محمدرضا طوسی نصرآبادی

گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

Email: mohammadrezatusi1@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی استعاره‌های شناختی حوزه «شهادت» در گفتمان رهبر انقلاب اسلامی اختصاص دارد. در این مطالعه زبان شناختی، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای حول محور «شهادت»، از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار ایشان جمع‌آوری و دسته‌بندی شده است با این هدف که مشخص شود در گفتمان رهبر انقلاب، «شهادت» به‌عنوان یکی از مفاهیم مقدس، چگونه به‌صورت استعاری مفهوم‌سازی شده است؟ بررسی داده‌ها نشان داد که در گفتمان رهبر انقلاب «شهادت» با استعاره‌هایی چون عطر، نور، رنگ، شعله، مسیر، خانه، میدان، آشامیدنی، قلعه، کوه، سنگر، درخت، ریشه درخت و شخص مفهوم‌سازی شده و عمدتاً در ارتباط بینامتنی با آیات قرآن کریم بوده است. از آنجا که استعاره در هر زبان و فرهنگی متفاوت است، می‌توان با بررسی استعاره‌های شناختی رهبر انقلاب و نگرش‌های غالب شکل گرفته در گفتمان فردی و اجتماعی ایشان و تحلیل این استعاره‌ها، هویت فرهنگی جامعه ایرانی را مشخص کرد و محتوای فکری و منظومه شناختی ایشان را در جامعه بسط داد.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، شهید، شهادت، آیت‌الله خامنه‌ای.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۵، بهار ۱۴۰۴، صص ۲۵-۴۲



دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی



Creative Commons Attribution 4.0 International

Doi: 10.22034/rir.2025.499422.1074

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

گفتارها منعکس‌کننده میزان خلاقیت ذهن انسان در بیان ایده‌ها، نیت و افکار هستند. یک سخنرانی می‌تواند سرگرم‌کننده و همچنین از نظر سیاسی قدرتمند باشد. بسیاری از رهبران اهمیت سخنرانی‌ها را درک می‌کنند، زیرا این سخنرانی‌ها به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت سیاسی آن‌ها عمل می‌کند. «کریستال»^۱ (۱۹۸۷) اشاره می‌کند روشی که مردم از زبان استفاده می‌کنند به ما اطلاعاتی می‌دهد در مورد پیشینه جغرافیایی، قومی و اجتماعی و زمینه‌ای که در آن ارتباط برقرار می‌کنند. در این میان نحوه استفاده رهبران سیاسی از زبان، نشان‌دهنده افکار و قصد آن‌ها است.

کسانی که در یک حوزه سیاسی درگیر هستند، از راهبردهای مختلفی برای جلب مخاطب استفاده می‌کنند. یکی از این راهبردها بهره‌گیری از «استعاره»^۲ است (ویدیان و یوستیسینا،^۳ ۲۰۱۵). استفاده از استعاره چیزهای زیادی در مورد نحوه درک ما می‌گوید. «لیکاف و جانسون»^۴ (۱۹۸۰) استدلال کرده‌اند، استعاره‌ها به‌عنوان ابزاری عمل می‌کنند که نحوه درک، فکر و عمل ما را ساختار می‌دهند. برای ما غیرعادی نیست که از تجربیات ملموس‌تری در زندگی خود برای توصیف مفاهیم انتزاعی‌تر استفاده کنیم؛ بنابراین، استعاره‌ها به‌طور گسترده در گفتار سیاسی به‌عنوان یک راهبرد برای دستیابی به مخاطبان گسترده‌تر و تأثیرگذاری بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بررسی زبان رهبران کشورها از آنجا که برای مخاطبان در سطوح اجتماعی-روانی و عاطفی جذاب بوده، ارزشمند است. استعاره یکی از ابزارهای مفهومی اصلی تلقی می‌شود که با آن واقعیت اجتماعی به‌طور نظام‌مند و ایدئولوژیک بازنمایی می‌شود و می‌تواند از نظر زبانی تحقق یابد.

تحلیل استعاره در گفتمان رهبران سیاسی به دلیل ماهیت ایدئولوژیک آن به‌طور گسترده در تحقیقات بسیاری از زبان‌شناسان شناختی و تحلیل‌گران گفتمان مورد

^۱ Crystal

^۲ Metaphor

^۳ Widiana, Y. & Yustisiana R. A.

^۴ Lakoff, G & Johnson M.

بحث قرار گرفته است [«گواتلی»^۱ (۲۰۰۷)، لیکاف^۲ (۱۹۹۶، ۱۹۹۱، ۲۰۰۵)، چارتریس- بلک (۲۰۰۹، ۲۰۱۱)، چیلتون (۱۹۹۶)، «کولر»^۳ (۲۰۰۴، ۲۰۰۹)، «مازلف»^۴ (۲۰۰۶)، می (۲۰۰۶) و دیگران]. علاوه بر این، تحقیقات استعاره به‌ویژه به دلیل ماهیت بین‌رشته‌ای آن ارزشمند است. ایدئولوژی ضمنی گفته‌های استعاری به محققان امکان می‌دهد تا ادراکات اساسی زندگی اجتماعی را در سطوح مختلف آن نشان دهند.

در این پژوهش، منظور از استعاره آن چیزی است که زبان‌شناسان شناختی و تحلیل‌گران گفتمان انتقادی به‌عنوان یک مدل ذهنی و ساختار گفتمانی برای دلالت‌های ایدئولوژیک آن بررسی می‌کنند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۸). گواتلی استدلال می‌کند که «مدل‌های استعاری دارای مفاهیم ایدئولوژیک هستند» (گواتلی، ۲۰۰۷: ۳۵)؛ یعنی «آن‌ها توسط کسانی استفاده می‌شوند که قدرت اقتصادی، علمی، سیاسی یا شخصی دارند». ایدئولوژی‌ها و ساختارهای آن‌ها «نگرش‌ها، مدل‌های ذهنی و انتخاب ساختارهای گفتمانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند» (ون دایک^۵ ۲۰۱۱: ۳۹۵). در عین حال، ساختارهای گفتمانی نیز توسط تاریخچه، علایق و دغدغه‌های شخصی و اجتماعی فرد تعیین می‌شود (چیلتون^۶ ۲۰۰۴، ۲۰۰۵؛ گواتلی ۲۰۰۷؛ ترنر^۷ ۲۰۰۱)؛ بنابراین، تجزیه و تحلیل استعاره امکان تعیین نگرش‌های غالب شکل‌گرفته در زمینه‌های فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند.

در هر صورت، با وجود جهانی بودن بسیاری از مفاهیم در دنیای مدرن، بازتاب آن‌ها در هر فرهنگ و زبان خاصی متفاوت است. در عین حال، هویت فرهنگی و روان‌شناسی رفتارگرایانه یک جامعه، استعاره‌های مفهومی خاصی را شکل می‌دهد که از ویژگی‌های فرهنگ‌های سیاسی مختلف است و در گفتمان‌های سیاسی مربوطه به کار می‌رود. عبارات استعاری که با چنین استعاره‌های مفهومی شکل می‌گیرد، به نقطه مرجع گفتمان آن فرهنگ تبدیل می‌شود. علاوه بر هویت فرهنگی، عوامل

^۱. Goatly,

^۲ Lakoff

^۳. Culler, J

^۴. Musolff, Anderas

^۵. Van Dijk

^۶ Chilton

^۷ Turner

دیگری از جمله شخصیت فرستنده، موقعیت اجتماعی گیرنده و همچنین وضعیت سیاسی و اقتصادی کنونی بر استعاره‌های مفهومی در گفتمان سیاسی تأثیر می‌گذارد. در گفتمان سیاسی، استعاره‌ها عناصر مفیدی هستند که به نشانه‌هایی از موقعیت‌های خاص تبدیل می‌شوند.

با این مقدمه درباره جایگاه استعاره‌های مفهومی، پرسش این پژوهش عبارت است از اینکه: «مفهوم شهادت در بیانات رهبر انقلاب با چه الگوهای استعاری‌ای مفهوم‌سازی شده است؟» استعاره‌های مفهومی در متون از آن رو اهمیت دارد که منعکس‌کننده نوع تفکر آفریننده آن و همچنین تأثیر بافت اجتماعی- فرهنگی و گفتمانی آن است. تاکنون تحقیقات متنوعی بیانات رهبر انقلاب را از زوایای مختلف بررسی کرده‌اند، اما پژوهشی یافت نشد که به استعاره «شهادت» پرداخته و اطلاعات جامعی در مفهوم‌سازی‌های رایج آن ارائه نموده باشد. این پژوهش تلاشی است در جهت فراهم آوردن بستری برای دستیابی به پاسخ بخشی از پرسش‌های پیش‌گفته، از طریق یافتن استعاره‌های مفهومی. در این تحقیق، بیانات رهبر انقلاب، از تارنمای دفتر حفظ و نشر آثار ایشان (khamenei.ir)، با کلیدواژه «شهادت» و مشتقات آن به‌صورت هدفمند جمع‌آوری شده است.

۲. پیشینه تحقیق

در ایران مطالعات زیادی در باب استعاره و ارتباط آن با ایدئولوژی صورت گرفته است. «شهری» (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی رابطه استعاره و ایدئولوژی پرداخته و معتقد است گفتمانی که اعضای یک نهاد اجتماعی استفاده می‌کنند، تمایل دارد ایدئولوژی محور باشد. تحلیل‌گر انتقادی در پی آن است تا رد پای این ایدئولوژی را نشان دهد و با استفاده از ابزارهای زبانی، اساس ایدئولوژیک گفتمان را منعکس کند. از آنجایی که استعاره در زبان رخ می‌دهد، می‌تواند ابزار مناسبی برای شناخت ایدئولوژی باشد. انتخاب استعاره‌های متفاوت در یک متن توسط کاربران زبان می‌تواند نشان‌دهنده ایدئولوژی غالب کاربران باشد و در عین حال ایدئولوژی‌های متفاوت در جهت نهادینه کردن باورهای بنیادینشان می‌توانند دست به تولید استعاره‌های متفاوت بزنند و از الگوهای مفهومی خاصی جهت پرورش و تولید عبارات زبانی استعاری یا همان زبان استعاری استفاده کنند.

در زمینه استعاره در بیانات رهبر انقلاب هم پژوهش‌هایی صورت گرفته است. «پورا بر اهیم» (۱۳۹۵) در مقاله‌ای استعاره جهاد و پایداری را در بیانات ایشان بررسی کرده است. به اعتقاد او ماهیت فرهنگی و دینی استعاره جهاد باعث ایجاد انسجام آن استعاره و انعطاف در کاربرد مفاهیم مختلف شده است. «اقبال و فرزین راد» (۱۳۹۷) هم در مقاله‌ای به بررسی استعاره در بیانات دفاعی رهبر انقلاب پرداخته‌اند. آن‌ها با طرح این پرسش که در گفتمان دفاعی رهبر چه استعاره‌های شناختی‌ای به کار رفته است، معتقدند استعاره‌های بیانات ایشان، با توجه به گفتمان ارزشی نظام جمهوری اسلامی به‌کارگیری شده است.

۳. چارچوب نظری

«زبان‌شناسی شناختی»^۱ یکی از حوزه‌های گسترده مطالعات شناختی در زبان است. معنی‌شناسی شناختی^۲ از زیرمجموعه‌های این نگرش مسلط در زبان‌شناسی است که «معنای زبانی را به‌مثابه تجلی‌گاه ساختار مفهومی در نظر می‌گیرد. در معناشناسی شناختی بخش مهمی از تحقیقات بر این نکته متمرکزند که چگونه زبان ساختار معنایی را منعکس یا رمزگذاری می‌کند. اگر زبان‌شناسی شناختی را مطالعه ویژگی‌های زبان بدانیم که از طریق آن سایر جنبه‌های شناخت انسانی منعکس می‌شود، استعاره برجسته‌ترین مظاهر این ویژگی‌هاست. در استعاره‌های مفهومی، یک حوزه تجربی برای درک حوزه تجربی دیگر به کار گرفته می‌شود. عبارات زبانی استعاری، استعاره‌های مفهومی خاصی را صورت‌بندی می‌کنند» (کوچش، ۱۳۹۳: ۳۰). استعاره مفهومی بر اساس «اصل فراوانی»^۳ در همه‌جا وجود دارد. «بیش از دو هزار سال است که استعاره در حوزه علم بلاغت مطالعه می‌شود؛ از آن نظر استعاره یکی از فنون بلاغی بود که بر پایه مقایسه بین دو پدیده استوار بود، اما برخلاف تشبیه، این مقایسه با ادات تشبیه بیان نمی‌شد» (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۲۹۳).

همچنین در سنت اسلامی، عبدالقاهر جرجانی در زمینه استعاره، پژوهش‌های دقیقی را انجام داده است. «جرجانی در *اسرار البلاغه* به این نکته اشاره می‌کند که در

^۱ Cognitive linguistics

^۲ Cognitive semantics

^۳ ubiquity principle

^۴ Evans, V & Green, M

برقراری پیوند استعاره، رعایت شباهت ظاهری و ارتباط عقلی مهم است و استعاره برحسب همین تشابه پدید می‌آید» (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۶۶).

لیکاف و جانسون نیز اظهار می‌دارند که استعاره صرفاً ابزاری زبانی برای اندیشه نیست، بلکه راهی برای اندیشیدن درباره چیزهاست. آن‌ها معتقدند درک ما از جهان واقعی، مستقیم و بلافصل نیست، بلکه ادراکات ما بر مبنای تأثیرات محدودکننده دانش بشر و زبان شکل می‌گیرد (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۳۷). لیکاف معتقد است استعاره را می‌توان نگاشت از یک قلمرو مبدأ به یک قلمرو مقصد تعریف کرد. وی بیان می‌دارد دستگاه مفهومی ما که انتزاعی‌ترین مفاهیم را در بر می‌گیرد به‌وسیله نظامی از استعاره‌ها ساختمان می‌شود. به اعتقاد او بسیاری از بنیادی‌ترین مفاهیم در نظام‌های مفهومی ما، مثل زمان، کمیت، حالت، دگرگونی، کنش، علت، هدف و مانند آن، معمولاً به‌وسیله استعاره‌ها درک می‌شوند (لیکاف، ۱۹۹۳: ۲۰۸). به اعتقاد «کووچش»^۱ نیز استعاره‌های مفهومی، مفهومی انتزاعی‌تر را به‌عنوان مقصد و مفهوم عینی‌تر یا فیزیکی‌تر را به‌عنوان مبدأ به کار می‌گیرند (کووچش، ۲۰۰۲: ۴). در زبان‌شناسی شناختی، نظریه استعاره مفهومی همواره مورد توجه است. مبحث استعاره از دیرباز مورد توجه محققان قرار داشته و مقصود از آن، دسته خاصی از فرایندهای زبانی است که در آن‌ها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر منتقل می‌شود، به‌نحوی که از شیء دوم به‌گونه‌ای سخن می‌شود که گویی شیء اول است (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۱).

در مورد استعاره با دو دیدگاه کلاسیک و معاصر روبه‌رو هستیم. در دیدگاه کلاسیک استعاره شیوه بیان بدیع و شاعرانه تعریف می‌شود که طی آن یک یا چند واژه موجود برای یک مفهوم را خارج از معنای قراردادی برای بیان مفهومی مشابه به کار می‌گیرند؛ اما در دیدگاه معاصر استعاره را نگاشت بین حوزه‌ها در نظام مفهومی می‌دانند. در این دیدگاه برخلاف دیدگاه کلاسیک جایگاه استعاره در زبان نیست، بلکه خاستگاه آن را باید در چگونگی مفهوم‌سازی یک حوزه ذهنی برحسب حوزه ذهنی دیگر یافت (لیکاف، ۱۹۹۳: ۲۰۲). بنیان‌گذاران نظریه استعاره مفهومی، درک یک قلمرو مفهومی را بر مبنای قلمروی دیگر امکان‌پذیر می‌دانند؛ یعنی میان دو

^۱. Kövecses, Z

قلمرو مفهومی نوعی ارتباط استعاره قائل‌اند. این دو قلمرو حوزه مبدأ و مقصد هستند. قلمرو مبدأ قلمرو معنای تحت‌اللفظی و حوزه مقصد قلمرو معنایی استعاره است. آن‌ها ارتباط میان این دو قلمرو را این‌گونه بیان می‌کنند که حوزه مقصد همان حوزه مبدأ است (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۲۰۳). به‌عنوان نمونه، در جمله «خشم او به جوش آمده است» خشم مایعی در حال جوشیدن تعبیر می‌شود، حوزه مبدأ همان قلمرو مایعات است و حوزه مقصد شامل قلمرو خشم می‌گردد (کرافت و کروز، ۲۰۰۴: ۱۹۶).

بر اساس تحقیقات (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۲۱۳) در زبان‌شناسی شناختی برخلاف دیدگاه سنتی که استعاره را اصطلاح‌هایی دارای معنای دلخواهی می‌دانستند، این امکان وجود دارد که آن‌ها را نه دلخواهی، بلکه انگیخته در نظر بگیریم؛ یعنی اصطلاحات به‌صورت خودکار و بر اساس قوانین زایا تولید می‌شوند و در عین حال با یک یا چند الگو در «نظام مفهومی»^۱ انطباق دارند. «تک‌سویی»^۲ در استعاره، از مهم‌ترین مشاهدات نظریه‌پردازان استعاره مفهومی است. بدان معنا که استعاره حاصل نگاشت از حوزه مبدأ به حوزه مقصد است، نه برعکس. برای مثال، قلمرو عشق به‌وسیله قلمرو سفر مفهوم‌پردازی می‌گردد، ولی به‌طور قراردادی، سفر به‌وسیله عشق ساختاربندی نمی‌شود. حوزه‌هایی مانند بدن انسان، حیوانات، گیاهان، غذاها و قدرت اغلب به‌عنوان حوزه مبدأ و حوزه‌هایی مانند عواطف، اخلاقیات، اندیشه، روابط انسانی و زمان به‌عنوان حوزه مقصد انتخاب می‌شوند. طبق «اصل ثبات»^۳ نمی‌توان هر حوزه‌ای را به‌عنوان مبدأ و مقصد انتخاب کرد؛ برای مثال، «لیکاف و ترنر»^۴ (۱۹۸۹) مشاهده کردند که مفهوم مرگ به چند طریق شخصیت‌بخشی می‌شود. مرگ می‌تواند مخرب و ویرانگر باشد، ولی نمی‌تواند درس‌آموز باشد.

استعاره‌ها در زبان‌شناسی شناختی در سه دسته اصلی ساختاری^۵، هستی‌شناختی^۶ و جهت‌ی^۷ تقسیم می‌شوند (لیکاف و جانسون ۱۹۸۸؛ کووچش، ۲۰۰۲) که به شرح

^۱. conceptual system

^۲. unidirectionality

^۳. Invariance

^۴. Lakoff, G & Turner, M

^۵. structural

^۶. ontological

^۷. orientational

هرکدام می‌پردازیم (کووچش، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۵). در استعاره ساختاری، حوزه مبدأ، دانش ساختار معرفتی نسبتاً پرمایه‌ای را برای حوزه مقصد فراهم می‌کند؛ یعنی این کارکرد شناختی استعاره‌هاست که گوینده را قادر می‌سازد حوزه «الف» را با استفاده از حوزه ساختار مبدأ «ب» درک کند. استعاره هستی‌شناختی، ساختار شناختی به‌مراتب کمتری را برای مفاهیم مقصد فراهم می‌کند و مفاهیم انتزاعی با اموری کلی از قبیل شیء و مواد مفهوم‌پردازی می‌شوند. استعاره‌های جهتی از این واقعیت نشئت می‌گیرند که بیشتر استعاره‌ها با جهات اصلی مورد استفاده انسان‌ها مانند بالا-پایین، مرکزی-پیرامونی و نظیر آن سروکار دارند.

مفهوم‌شناسی شهادت

شهید و شهادت از ریشه شهد و مشتقات آن در ۱۶۰ مورد از آیات قرآن کریم دیده می‌شود. شهادت در دین مبین اسلام ارزش والایی دارد و به معنای کشته شدن در راه خداوند است و کسی که در راه خدا کشته می‌شود، شهید نامیده می‌شود. در فقه، شهید به مسلمانی گفته می‌شود که در میدان جنگ به دست کافران یا به سبب جنگ با آن‌ها کشته شود. در تفسیر نمونه آمده است که شهادت یک معنای خاص و یک معنای عام دارد: معنای خاص آن همان معنای فقهی است و معنای عام آن این است که انسان در مسیر انجام وظیفه الهی کشته شود یا بمیرد. از این رو در روایات، طالب علمی که در حال طلب علم از دنیا برود، کسی که در بسترش بمیرد، درحالی که به خدا، پیامبر (ص) و اهل‌بیتش معرفت داشته باشد، کسی که برای دفاع از مالش در برابر مهاجمان کشته شود و... شهید دانسته شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۴۰۷).

روایات بسیاری درباره منزلت و فضیلت شهادت نقل شده است؛ از جمله اینکه شهادت بالاترین نیکی و گرامی‌ترین مرگ دانسته شده و برخی از مرگ‌های دیگر در اجر و پادش، به آن تشبیه شده است. در قرآن کریم از واژه شهادت با تعبیر «قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کشته شدن در راه خدا) یاد شده است (مغربی، ۱۳۸۵: ۳۴۳).

واژه «شهادت» در اسلام قداست خاصی دارد. در عرف خاص اسلامی هاله‌ای از نور این کلمه را فراگرفته، در همه عرف‌ها توأم عظمت داشته است. از نظر اسلام هرکس به مقام و درجه شهادت نائل آید، یعنی در راه هدف‌های عالی اسلامی و با انگیزه

برقراری ارزش‌های واقعی انسانی کشته شود، به یکی از عالی‌ترین درجات و مراتبی رسیده است که ممکن است انسان در سیر صعودی خود نائل شود. روایات اسلامی بسیاری بر ارزش کشته شدن در راه خدا تأکید دارند.

۴. روش پژوهش

در انجام پژوهش حاضر که تحقیقی توصیفی-تحلیلی است از روش تحلیل محتوا استفاده شد. به این صورت که استعاره‌های رایج در بیانات رهبر انقلاب را به روش «شیوه تشخیص استعاره»^۱ (گروه پراگل جاز^۲، ۲۰۰۷) برگزیدیم. مراحل این روش به این شرح است: (۱) تمام متن یا کلام را بخوانید تا به درکی کلی از معنای آن برسید؛ (۲) واحدهای واژگانی متن را مشخص کنید؛ (۳) در مورد هر واحد واژگانی درون متن، معنای بافتی آن را بیابید و در مورد هر واحد واژگانی مشخص کنید که آیا در حال حاضر در سایر بافت‌ها معنای پایه‌ای‌تری نسبت به بافتی که در آن به کار رفته دارد یا نه. اگر معنای رایج واحد واژگانی در سایر بافت‌ها نسبت به بافت موجود پایه‌ای‌تر است، ببینید آیا معنای بافتی با معنای پایه در تقابل است و آیا در مقایسه با آن قابل درک است یا خیر؛ (۴) اگر این چنین است، پس واحد واژگانی مذکور استعاری است.

۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش به بررسی مفهوم‌سازی‌های استعاری در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازیم. به دلیل اهمیت والای مفهوم شهادت در جریان انقلاب اسلامی، کلان‌الگوی استعاری شهادت در بیانات رهبر انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد و ایشان تأکید بسیاری بر آن کرده‌اند. کلان‌الگوی استعاری شهادت با دین مبین اسلام و آیات قرآن کریم و احادیث شریف ارتباط تنگاتنگی دارد و به سبب بروز وقایعی در نظام جمهوری اسلامی از جمله دفاع مقدس، دفاع از حرم، ترورها و... در منظومه جمهوری اسلامی اهمیت زیادی پیدا کرده است. با بررسی داده‌ها به عبارات استعاری توجه می‌شود:

۵-۱. الگوی استعاری «شهادت عطر/نور/رنگ/شعله»

^۱ Metaphor Identification Procedure

^۲ Praggeljaz Group

(۱) هیچ نقطه‌ای از نقاط کشور نیست که **عطر شهادت**، **نور شهادت** و **خاطره** حماسه‌های همراه با شهادت در آنجا وجود نداشته باشد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۴/۱۱/۱۹).

(۲) **عطر شهادت** فضا را انباشته است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۶/۲/۱۷).
(۳) فضای کاری ما را، فضای زندگی ما را با **نور شهادت** منور کردید (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲).

(۴) **گل خوشبو و معطر شهادت** است که جز دستِ برگزیدگان خداوند در میان انسان‌ها به آن نمی‌رسد و جز مشامِ آن‌ها آن را بو نمی‌کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۰/۷/۴).

(۵) جلسه‌ ما امروز در این حسینیه، لبریز از **عطر شهادت** و یاد مبارک شهیدان عزیز و حضور جانبازان عزیز و خانواده‌های شهدا و خانواده‌های جانبازان است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۱۰/۱۹).

(۶) پروردگار! این **نور شهادت**، این فضای شهادت، این طلب شهادت، این شور و شوق به شهادت را که در دل بعضی‌ها هست، خاموش مکن (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۳/۳۰).

(۷) خیل عظیم کاروان شهدا وقتی وارد شهرها می‌شود، **عطر معنویت** و فضیلت و **شهادت** را در اعماق فضای آن شهر و آن منطقه نفوذ می‌دهد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۹/۱۰).

(۸) به‌قدری **شعله مقدس شهادت** و ایثار و جهاد، این فضا را روشن و منور کرد که همه ابرهای تیره فتنه- نفاق‌ها، کفرها و فسادها - تحت‌الشعاع قرار گرفتند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵).

(۹) به توفیق الهی **خورشید فروزان شهادت**، همه حجاب‌های تحریف و فریب را خواهد شکافت (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۹/۲۴).

(۱۰) **رنگ شهادت و زینت شهادت** چیزی است فراتر از این حرف‌ها (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶).

در این الگوی استعاری شهادت با استفاده از حوزه‌های عینی و ملموسی چون **عطر** و **نور** و **رنگ** خوش مفهوم‌سازی شده است. الگوی استعاری شهادت به‌مثابه

عطر/نور/رنگ/شعله، بر جنبه‌های معنوی و قداست شهادت تأکید دارد. این استعاره‌ها نشان می‌دهند که شهادت نه تنها یک رویداد فیزیکی، بلکه یک پدیده معنوی است که فضای جامعه را با نورانیت و عطر معنویت پر می‌کند. از سوی دیگر، الگوی استعاری شهادت به مثابه مسیر، شهادت را به عنوان راهی مقدس و ادامه‌دار مفهوم‌سازی می‌کند که نیازمند مجاهدت، ایثار و تلاش مستمر است. این استعاره‌ها نشان می‌دهند که شهادت هدف نهایی نیست، بلکه مسیری است که باید همواره در آن گام نهاد.

۵-۲. الگوی استعاری «شهادت مسیر است»

- (۱) مخالفین شما، دشمنان شما، می‌خواهند یاد شهدا احیا نشود و شهدا تکریم نشوند؛ برای اینکه جاده شهادت کور بشود، مسدود بشود، برای اینکه دیگران تشویق به حرکت مجاهدانه نکنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۲/۰۶).
- (۲) شهدا در راه شهادت گام نهادند تا راه خدا و راه سعادت خلق، همواره باز و به روی مردم گشوده بماند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۳/۶/۳۱).
- (۳) همین کسانی که ده‌ها بار خود را تا مرز شهادت بردند و خدا آن‌ها را برگرداند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۱۱/۱۸).
- (۴) جاده شهادت مثل یک دری نیست که ببندند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۹/۱).
- (۵) جانبازان ما تا مرز شهادت هم پیش رفتند؛ منتها شهادت نصیبشان نشد و به زندگی برگشتند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۰/۱۰/۱۱).
- (۶) سرنوشت آن بزرگوار شهادت بود، اما درس او فقط درس راه شهادت نیست (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۳/۲۲).

رهبر انقلاب در تمامی عبارات بالا، شهادت را به عنوان یک مسیر و راه مفهوم‌سازی کرده‌اند. در اینجا شهیدان رهروان مسیر شهادت هستند و در گفتمان ایشان حرکت در این مسیر باید تداوم داشته باشد. در منظومه فکری رهبر انقلاب، با اخلاص و ایثار، صدق، معنویت، مجاهدت، گذشت، توجه به خدا، عدالت، کار برای مردم، تلاش

برای استقرار حاکمیت دین می‌توان مسیر شهادت را طی کرد. در این الگو شهادت مسیر است و شهید رهرو این مسیر.

۳-۵. الگوی استعاری «شهادت خانه است»

(۱) یقیناً این حالت در آن‌ها به وجود آمده بود که چرا شهید نشدند و در شهادت بسته شد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲).

(۲) به مجرد اینکه دیدند باب جهاد و شهادت باز است کانه پرواز کردند، رفتند و به شهادت رسیدند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲).

(۳) سال‌های متمادی از آن دوران دفاع مقدس گذشته است، اما باب شهادت بسته نشده (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۷/۲۱).

(۴) عده‌ای از جوانان پاک و مؤمن ما در همان روز با شنیدن قضیه ختم جنگ، عزا گرفتند و فکر کردند که درهای شهادت و معنویت بسته شد و ما در حصارها ماندیم (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۷/۷/۲۶).

در این بیانات، شهادت به‌مثابه یک خانه استوار مفهوم‌سازی شده است. الگوی استعاری شهادت به‌مثابه خانه، شهادت را مکانی امن و مقدس مفهوم‌سازی می‌کند که درهای آن همواره به روی مؤمنان باز است. این استعاره‌ها نشان می‌دهند، شهادت نه تنها یک رویداد، بلکه یک مقصد معنوی است که افراد مؤمن می‌توانند به آن دست یابند

۴-۵. الگوی استعاری «شهادت میدان است»

(۱) کسانی که این قوت و اراده در آن‌ها هست که از زندگی چشم‌پوشند، این‌ها بلند می‌شوند می‌روند به میدان شهادت (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۹/۱).

(۲) این پیام شهیدان است... آلا خوفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُونَ؛ خوف و حزن برداشته است در میدان شهادت (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۲/۶).

(۳) ... این دیگر چیزی است که هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را از امام حسین بگیرد. قدرت رفتن به میدان شهادت؛ دادن جان و دادن عزیزان (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۹/۱/۲۶).

در این عبارات شهادت مانند یک میدان نبرد مفهوم‌سازی شده است. الگوی استعاری شهادت به مثابه میدان، شهادت را به عنوان صحنه‌ای از نبرد و جهاد مفهوم‌سازی می‌کند که در آن مؤمنان با شجاعت و ایثار به مقابله با دشمنان می‌پردازند.

۵-۵. الگوی استعاری «شهادت آشامیدنی است»

(۱) چون خدای متعال به مجرد آنکه جرعه گوارای شهادت را به انسانی تعارف کرد، بزرگ‌ترین اجر را به او داده است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۴/۷/).

(۲) بالاترین اجرها برای انسانی که در راه خدا مبارزه می‌کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۰/۱۰/۱۱).

در این الگو شهادت به مثابه آشامیدنی مطلوب مفهوم‌سازی شده است. الگوی استعاری شهادت به مثابه آشامیدنی، شهادت را نوعی نوشیدنی گوارا و مطلوب مفهوم‌سازی می‌کند که تنها به برگزیدگان خداوند عرضه می‌شود. این استعاره‌ها نشان می‌دهند که شهادت نه یک رویداد دردناک که یک موهبت الهی است و تنها به افراد خاصی عطا می‌شود.

۶-۵. الگوی استعاری «شهادت قله کوه است»

(۱) محرم و دهه عاشورا که قله جهاد و شهادت را نشان می‌دهد؛ حقیقتاً حادثه عاشورا نشان‌دهنده قله جهاد و فداکاری و شهادت در راه خدا است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۰/۶/۲).

(۲) این حادثه عاشورا در آن اوج قله فداکاری و شهادت باقی ماند و همچنان تا قیامت باقی خواهد ماند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۹/۱/۲۶).

الگوی استعاری شهادت به مثابه قله کوه، شهادت را به عنوان اوج فداکاری و ایثار مفهوم‌سازی می‌کند که در تاریخ اسلام و به ویژه در واقعه عاشورا تجلی یافته است.

۷-۵. الگوی استعاری «شهادت سنگر است»

- شما خانواده‌ها، سنگرداران شهادت و مرزداران فضیلت در طول دوران دفاع مقدس بوده‌اید (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۶/۲/۱۷).

الگوی استعاری شهادت به مثابه سنگر، شهادت را به عنوان مکانی امن و مقدس مفهوم‌سازی می‌کند که خانواده‌های شهدا سنگرداران آن به شمار می‌روند. این

استعاره‌ها نشان می‌دهند که شهادت نه تنها یک رویداد فردی، بلکه یک پدیده جمعی است که تمامی جامعه را در بر می‌گیرد.

۵-۸. الگوی استعاری «شهادت درخت/ریشه درخت است»

- بعضی‌ها نادانسته - که مایلیم امیدوار باشیم نادانسته است - ریشه اصل مجاهدت و شهادت فی سبیل الله را می‌زنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۱/۷/۱۷).

به تعبیر رهبر انقلاب شهادت همانند درختی تنومند است که ریشه و ثمره دارد. الگوی استعاری شهادت به مثابه درخت/ریشه درخت، شهادت را به عنوان یک پدیده زنده و پایدار مفهوم سازی می‌کند که در تاریخ و فرهنگ اسلامی ریشه دارد و ثمره‌های آن در جامعه نمایان می‌شود.

۵-۹. الگوی استعاری «شهادت شخص است»

- یک امتیاز این است که این‌ها داوطلبانه به استقبال شهادت رفتند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲).

در این عبارت هم شهادت به عنوان یک فرد مفهوم سازی شده است که شهدا به استقبال او می‌روند. در نهایت، الگوی استعاری شهادت به مثابه شخص، شهادت را به عنوان میهمانی مقدس مفهوم سازی می‌کند که شهدا به استقبال آن می‌روند. این استعاره‌ها نشان می‌دهند که شهادت نه تنها یک رویداد، بلکه یک موجود زنده و مقدس است که در زندگی مؤمنان حضور دارد.

نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی مفهوم سازی استعاری شهادت در گفتمان رهبر انقلاب اسلامی ایران، آیت الله خامنه‌ای، پرداخته و الگوهای استعاری مختلف بیانات ایشان برای مفهوم شهادت، با استفاده از چارچوب نظری زبان شناسی شناختی، به ویژه نظریه استعاره مفهومی تحلیل شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که شهادت در گفتمان رهبر انقلاب یک مفهوم کلیدی و مقدس بوده و با استفاده از حوزه های مفهومی متنوعی مانند عطر، نور، مسیر، خانه، میدان، آشامیدنی، قله کوه، سنگر، درخت و حتی شخص مفهوم سازی شده است. این الگوهای استعاری نه تنها نگرش عمیق

ایشان به مقوله شهادت را بازتاب می‌دهند، بلکه نشان‌دهنده تأثیر بافت اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران نیز هستند.

بررسی و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر وجود انواع استعاره‌های شناختی حول محور شهادت را در بیانات مقام معظم رهبری نشان دادند. با واکاوی داده‌ها مشخص شد ایشان مفاهیم مبدأ و مقصد استعاری را با توجه به گفتمان و ایدئولوژی دین مبین اسلام و فرهنگ بومی ایرانی اسلامی انتخاب کرده‌اند. در بسیاری از موارد، در حوزه‌های مقصد استعاری، ارتباط بینامتنی با آیات قرآن کریم مشاهده می‌شود. آنجا که استعاره در هر زبان و فرهنگی متفاوت است، می‌توان با بررسی استعاره‌های شناختی رهبر انقلاب و نگرش‌های غالب شکل گرفته در گفتمان فردی و اجتماعی ایشان و تحلیل این استعاره‌ها، هویت فرهنگی جامعه ایرانی را مشخص کرد و محتوای فکری و منظومه شناختی ایشان را در جامعه بسط داد.

در راستای مطالعات مدرن در حوزه زبان دینی که زبان دینی را زبانی استعاری در نظر می‌گیرد، می‌توان گفت که زبان دینی به‌طور ذاتی استعاری است. بر اساس دلایل نظری و شواهد تاریخی و متنی از «جکیل»^۱ (۲۰۰۲)، زبان دینی باید زبانی استعاری تلقی شود. با توجه به ویژگی‌هایی مانند تجسد^۲، تعامل^۳ و چندوجهی بودن^۴ که توسط ترنر، جانسون، ماندلر^۵، ایوانز و گرین مطرح شده‌اند، می‌توان گفت که طرح‌واره‌های تصویری^۶ به‌طور ذاتی معنادار هستند، زیرا پیامدهای قابل پیش‌بینی برای تجربیات ما فراهم می‌کنند. لیکاف و جانسون (۱۹۸۸) نیز اشاره کرده‌اند که طرح‌واره‌های تصویری ذاتاً معنادار می‌توانند در حوزه مبدأ استعاره‌های اولیه استفاده شوند و سایر استعاره‌های مفهومی از این جنبه‌های فوق ساختاری مفهومی مشتق می‌گردند.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که استعاره‌های مفهومی، با استفاده از طرح‌واره‌های تصویری، بازنمایی‌های استعاری زبان ما را معنادار می‌کنند. با در نظر

^۱. Jäkel, Olaf

^۲. embodiment

^۳. interaction

^۴. multi-modality

^۵ Mondelez

^۶. image schemas

گرفتن تمامی این موارد، می‌توان گفت حضور طرح‌واره‌های تصویری در بیان‌های دینی که از طریق آن‌ها استعاره‌های مفهومی می‌توانند معانی را با نگاشت عناصر طرح‌واره‌ای حوزه مبدأ به عناصر حوزه مقصد مفهوم‌سازی کنند، زبان دینی را معنادار می‌سازند.

به‌طورکلی، این پژوهش نشان داد که استعاره‌های مفهومی به‌کاررفته در گفتمان رهبر انقلاب، نه‌تنها نگرش ایشان به مقوله شهادت را بازتاب می‌دهند، بلکه نشان‌دهنده تأثیر عمیق بافت اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران نیز هستند. این استعاره‌ها به‌عنوان ابزارهای مفهومی قدرتمند، این امکان را به رهبر انقلاب می‌دهند که مفاهیم انتزاعی و مقدسی مانند شهادت را به‌گونه‌ای ملموس و قابل‌درک برای مخاطبان خود بیان کنند. ازاین‌رو، تحلیل استعاره‌های مفهومی در گفتمان رهبران سیاسی نه‌تنها به درک بهتر اندیشه‌ها و نگرش‌های آن‌ها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای بررسی تأثیر بافت اجتماعی و فرهنگی بر گفتمان سیاسی نیز استفاده شود.

فرهنگ شهادت فرهنگی پویاست که در انسان روحیه ایثارگری را پرورش می‌دهد. برای احیای ارزش‌های اصیل انسانی باید فرهنگ شهادت را توسعه داد. تبیین شاخص‌های فرهنگ شهادت و آثار آن بر فرد و اجتماع باعث شناخت این فرهنگ و شناساندن ارزش‌های شهادت شده، روحیه انقلابی‌گری را پرورش می‌دهد و موجب صیانت از ارزش‌ها نیز می‌شود. فرهنگ زنده و مقاوم شهادت می‌تواند در مقابل فرهنگ‌های مهاجم بایستد و جامعه را در مسیر رشد و آرمان‌های دینی یاری رساند.

فهرست منابع

- 0 پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۵). استعاره‌ی جهاد و پایداری در گفتمان و ایدئولوژی سیاسی رهبر: رویکرد شناختی. نشریه ادبیات پایداری، ۸ (۱۵)، ۱۲۷-۱۴۶.
- 0 خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای: www.khamenei.ir.
- 0 شهری، بهمن (۱۳۹۱). پیوندهای میان استعاره و ایدئولوژی. نقد ادبی، ۵ (۱۹)، ۶۰-۷۶.
- 0 صفوی، کورش (۱۳۸۷). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سوره مهر.
- 0 کوچش، زلتن (۱۳۹۳). مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره. ترجمه شیرین پورابراهیم. تهران: سمت
- 0 مغربی، ابن حیون (۱۳۸۵). دعائم الاسلام. ج اول. قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
- 0 مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹). تفسیر نمونه، ج ۲۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- 0 هاوکس، ترنس (۱۳۷۷). استعاره. ترجمه فرزانه طاهری، چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- 0 Crystal, D. (1987). Encyclopedia of language. Cambridge: Cambridge University Press.
- 0 Chilton, P. (2004). Analysing political discourse: Theory and practice. London: Routledge.
- 0 Chilton, P. (2005). Manipulation, memes and metaphors: The case of Mein Kampf. In L.D. Saussure & P. Schulz (eds.). Manipulation and ideologies in the twentieth century (pp. 15-44). Amsterdam: John Benjamins.
- 0 Croft, W., & Cruse, D. A. (2004). Cognitive Linguistics. Cambridge: Cambridge University Press.
- 0 Evans, V & Green, M, (2006). Cognitive Linguistics: An Introduction. Edinburg: Edinburg University Press.
- 0 Goatly, Andrew, (2007), Washing the Brain, Metaphor and Hidden Ideology, Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamin's Publishing Company.
- 0 Kövecses, Z, (2002). Metaphor. A Practical Introduction: Oxford.

- 0 Jäkel, Olaf. (2002). Hypotheses Revisited: The Cognitive Theory of Metaphor Applied to Religious Texts. *Metaphorik.de* 2: 20-42.
- 0 Lakoff, G & Johnson M, (1980). *Metaphors We Live By*: Chicago.
- 0 Lakoff, G.& Johnson, M. (1988). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason*. Chicago: University of Chicago Press.
- 0 lakoff, G & Turner, M,(1989). *More Than Cool Reason: a Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago and London: University of Chicago Press.
- 0 Lakoff, G, (1993). The contemporary theory of metaphor, In Geeraerts, Dirk (Ed.). (2006) *Cognitive linguistics: basic readings (Cognitive linguistics research; 34)*. Mouton de Gruyter Berlin, New York, pp. 185-238.
- 0 Lakoff, G. (1996). *Moral politics: What conservatives know that liberals don't*. Chicago: University of Chicago Press.
- 0 -----, (2005). *Metaphor in Culture: Universality and Variation*: Cambridge.
- 0 -----,(1991). *Metaphor and war: The metaphor system used to justify war in the Gulf*. Available at http://www.ac.wvu.edu/~market/semiotic/lkof_war.html (November 2008)
- 0 Musolff, Anderas, (2006), *Metaphor and Political Discourse*, New York: Palgrave MacMillan Press.
- 0 Pragglez Group (2007). MIP: A method for identifying metaphorically used words in discourse. *Metaphor and Symbol*, 22(1), 1-39.
- 0 Widiana, Y. & Yustisiana R. A. (2015) *Metaphors and arguments to semantic political metaphors in Indonesian mass media and its persuasive effect toward readers*. *Celt*, Volume 15, Number 2, December 2015, pp. 205-221
- 0 Van Dijk, T. A. (2011). *Ideology: Political discourse and cognition*, In P. A. Chilton & C. Schaffner (Eds.), *Politics as text and talk: Analytic approaches to political discourse* (pp. 203-237). Amsterdam: John Benjamins.